

محافظه کاری شرطی در گزارشگری مالی

محمدحسین قائمی^۱، آیدین کیانی^۲، مصطفی تقی زاده^۳

چکیده: محافظه کاری، تمایل حسابداران به الزام درجه بالاتری از تأییدپذیری برای شناسایی اخبار خوشایند در مقایسه با اخبار ناخوشایند، معنا شده است. این مقاله براساس الگوی بال، کوتاری و والر (۲۰۱۳) به بررسی وجود محافظه کاری شرطی در سود گزارش شده شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. این الگو با استفاده از متغیرهای مالی اندازه، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام، اهرم، نوسان بازده سهام و متغیرهای سود غیرمنتظره و بازده غیرعادی، به بررسی عدم تقارن زمانی سود در گزارشگری مالی شرکت های بورسی می پردازد. در نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون داده های ترکیبی بر ۱۱۴۰ سال - شرکت مربوط به سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱، شواهدی مبنی بر وجود واکنش نامتقارن سود نسبت به اخبار شرکت به دست نیامد. همچنین براساس الگوی بال و همکارانش (۲۰۱۳)، در گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، محافظه کاری شرطی وجود ندارد.

واژه های کلیدی: عدم اطمینان، عدم تقارن زمانی سود، گزارشگری مالی محافظه کارانه، محافظه کاری شرطی.

-
۱. دانشیار حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران
 ۲. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
 ۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران
-

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۷/۰۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۰۹/۰۶

نویسنده مسئول مقاله: محمدحسین قائمی

E-mail: ghaemi_d@yahoo.com

مقدمه

طبق نظریه عدم قطعیت هایزبرگ، در ذات و طبیعت وقایع، عدم قطعیت و ابهام وجود دارد و حسابداری نیز از این قاعده مستثنا نیست. حسابداری در فرایند شناخت، اندازه گیری و گزارشگری، همواره با عدم اطمینان^۱ مواجه است. محافظه کاری در حسابداری از میثاق های محدودکننده است. در ادبیات حسابداری، محافظه کاری به دو نوع شرطی و غیرشرطی تقسیم بندی شده است (خدای پور و مالکی نیا، ۱۳۹۱). محافظه کاری غیرشرطی در زمان شناسایی اولیه انجام می گیرد، اما محافظه کاری شرطی برای تسریع در شناسایی زیان ها و شناسایی با تأخیر سودها به کار می رود. محافظه کاری نقش مهمی در فرایند گزارشگری مالی دارد و رویه سودمندی برای ارزش گذاری خالص دارایی ها و اندازه گیری سود در وضعیت عدم اطمینان فراهم می آورد. به نظر برخی پژوهشگران موافق با محافظه کاری، احتیاط اعمال شده حسابداران می تواند ابزاری در جهت تعدیل خوش بینی های بیش از حد برخی مدیران، در زمینه برآوردهای عمده و پیش بینی های عملکرد آتی شرکت باشد. علت گزینش سود به عنوان متغیر وابسته در پژوهش ها، این است که برخی از اجزای آن برآوردی است. به بیان دیگر، سود بیانگر معیاری از اطلاعات جدید درباره تغییرات ارزش شرکت طی دوره مالی گذشته است.

محافظه کاری شرطی^۲ یا عدم تقارن زمانی سود^۳، موضوع نسبتاً جدیدی در پژوهش های گزارشگری مالی محسوب می شود و پس از پژوهش باسو (۱۹۹۷) مقاله های بسیاری در این زمینه منتشر شده است. شناخت به موقع ارقام صورت سود و زیان، یکی از شاخص های به موقع بودن گزارشگری مالی به شمار می رود. تمرکز بر سود حسابداری به این دلیل است که معیاری تأثیرگذار در تصمیم گیری استفاده کنندگان است (بال و همکاران، ۲۰۱۳). احمد و همکاران، محافظه کاری را جریان مستمری از روش های حسابداری می دانند که به کمتر نشان دادن ارزش دفتری خالص دارایی ها نسبت به ارزش بازار آنها منجر می شود (احمد، بیلینگز، مورتون و هریس، ۲۰۰۹).

انگیزه اصلی محافظه کاری شرطی، خنثی کردن تمایل مدیران برای انتشار اطلاعات مساعد در شرایطی است که رویداد نامساعد رخ داده باشد. محافظه کاری شرطی را محافظه کاری پس رویدادی می نامند و علت نام گذاری آن نیز وابسته بودنش به اخبار است.

به نظر پاتاتوکاس و توماس (۲۰۱۱)، اعمال برخی تغییرات در متغیر وابسته مدل باسو (۱۹۹۷) (مانند استفاده از قیمت سهام در اول دوره به جای پایان دوره، یا استفاده از تأخیرهای

1. Uncertainty
2. Conditional Conservatism
3. Asymmetric Earnings Timeliness

زمانی یک‌ساله و دوساله برای متغیر وابسته)، می‌تواند به کاهش تورش در مدل برآورد محافظه‌کاری و افزایش دقت اندازه‌گیری محافظه‌کاری منجر شود. بنابراین هدف از انجام آزمون براساس مدل بسط‌داده‌شدهٔ بال و همکاران (۲۰۱۳)، برآورد دقیق‌تر محافظه‌کاری شرطی است. این مدل قصد دارد با استفاده از متغیرهای مالی اندازه (ارزش بازار حقوق صاحبان سهام)، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام، اهرم و نوسان بازده سهام را محاسبه کند. همچنین با به‌کارگیری متغیرهای سود غیرمنتظره و بازده غیرمنتظره (بر اساس میانگین بازده تعدیل‌شده بر اساس بازده بازار) و بازده پرتفوی ساخته‌شده (بر اساس معیارهای اندازه و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار)، به بررسی وجود محافظه‌کاری شرطی در سود حسابداری شرکت‌ها بپردازد.

هدف این مقاله بررسی وجود محافظه‌کاری شرطی در گزارشگری مالی شرکت‌های بورسی براساس مدل بال و همکاران (۲۰۱۳) است. به‌اعتقاد آنان، استفاده از سود و بازده غیرمنتظره و متغیرهای مالی اندازه، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار، اهرم و نوسان بازده، موجب افزایش دقت مدل اندازه‌گیری محافظه‌کاری شرطی می‌شود. در ادامهٔ این نوشتار ابتدا پیشینهٔ محافظه‌کاری شرطی بررسی می‌شود. سپس با طرح فرضیه و مدل استفاده‌شده، روش پژوهش معرفی خواهد شد. پس از آن یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات مطرح می‌شود، نتیجه‌گیری و پیشنهادها نیز پایان‌بخش این نوشتار خواهد بود.

پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

محافظه‌کاری در حسابداری، گرایش و تمایل برای به‌کارگیری سطح بالاتری از تأییدپذیری به‌منظور شناسایی اخبار مساعد، در مقایسه با اخبار نامساعد است (واتز، ۲۰۰۳). بنا به تعریف هیئت تدوین استانداردهای حسابداری ایران (۱۳۸۳)، محافظه‌کاری یا احتیاط عبارت است از: «کاربرد درجه‌ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای برآورد در شرایط ابهام مورد نیاز است، به‌گونه‌ای که درآمدها و دارایی‌ها بیشتر از واقع، و بدهی‌ها و هزینه‌ها کمتر از واقع شناخت نگردد».

هندریکسون و بردا (۱۹۹۲)، علت وجود محافظه‌کاری را که ناشی از عدم اطمینان است، در دو عامل تداوم فعالیت واحد تجاری در آینده‌ای پیش‌بینی‌پذیر و الزام به برآورد یا تخمین برخی از مبالغ می‌دانند. آنها همچنین دلایلی را برای کاربرد محافظه‌کاری برشمردند؛ از جمله اینکه بدبینی حاصل از اصل محافظه‌کاری در فرایند گزارشگری مالی، موجب تعدیل خوش‌بینی

برآوردهای عمده مدیریت درباره عملکرد واحد تجاری است. لافاند و واتنز (۲۰۰۸) استفاده از محافظه کاری را به دلیل تعدیل کننده خوش بینی بیش از حد مدیریت در برآوردها، الزامی می دانند. درباره محافظه کاری شرطی در گزارشگری مالی و عوامل تأثیرگذار بر آن، مطالعات گوناگونی انجام گرفته است. باسو (۱۹۹۷) به این نتیجه رسید که بین میزان اثرگذاری اخبار مساعد و نامساعد بر سود گزارش شده شرکتها، اختلاف معناداری وجود دارد. وی برای شناخت اخبار مربوط به شرکت از متغیر بازده سهام بهره برده است. معیاری استفاده شده باسو (۱۹۹۷) در برآورد محافظه کاری، رابطه بین سود حسابداری و اخبار شرکت است.

بر اساس پژوهش بال و همکاران (۲۰۱۳)، همبستگی بین سود و بازده سهام، موجب تورش برآوردهای محتوای سود در بازده می شود. علاوه بر آن، هنگامی که اثرهای مربوط به شرکتها در تجزیه و تحلیلها لحاظ می شود، برآوردها تورش ندارند و از لحاظ آماری نیز معنادارند. به بیان دیگر، استفاده از اثرهای ثابت در برازش رگرسیون به روش پانل دیتا، کاهش تورش را در پی دارد.

پیشینه تجربی

باسو (۱۹۹۷) با استفاده از روشهای تحلیل رگرسیون ترکیبی و سریهای زمانی، نشان داد حساسیت سود حسابداری نسبت به اخبار کاهش ارزش شرکت (اخبار نامساعد)، از حساسیت آن نسبت به افزایش ارزش شرکت (اخبار مساعد) بیشتر است. از آنجاکه طبق مفهوم محافظه کاری شرطی، سود حسابداری حساسیت بیشتری نسبت به اخبار نامساعد در مقایسه با اخبار مساعد از خود نشان می دهد، برآورد عدم تقارن سود، موضوع تحقیق بسیاری از پژوهشگران بوده است. دیتریچ، مولر و ریدر (۲۰۰۷) درباره وجود تورش در مدل باسو (۱۹۹۷) انتقادهایی داشتند.

پاتاتوکاس و توماس (۲۰۱۱)، شواهد تجربی چشمگیری درباره تورش مدل باسو (۱۹۹۷) ارائه کردند. آنها معیار همگن سازی قیمت در دوره جاری با سود هر سهم را نامناسب دانستند و با جایگزینی قیمت در ابتدای دوره به جای قیمت در پایان دوره، با ضریب واکنش معنادارتری در مقایسه با مدل باسو (۱۹۹۷) روبه رو شدند.

به اعتقاد بال و همکاران (۲۰۱۳) علت اصلی تورش در برآورد مدل باسو (۱۹۹۷)، به عدم کنترل رابطه سود و بازده مورد انتظار مربوط است. کنترل عواملی مانند اندازه، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق مالکانه، اهرم، نوسان بازده سهام و خارج کردن بخش مورد انتظار سود شرکت، موجب کاهش تورش و افزایش اطمینان در برآورد محافظه کاری شرطی در سود حسابداری می شود. همچنین برآورد مدل با روش اثرهای ثابت، تورش را کاهش می دهد.

در زمینه محافظه کاری در داخل کشور نیز پژوهشهای گوناگونی صورت گرفته است. خدای پور و مالکی نیا (۱۳۹۱) به مطالعه رابطه بین میزان محافظه کاری شرطی اعمال شده و

احتمال اخبار منفی آینده پرداختند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد رابطه منفی و معناداری بین محافظه کاری شرطی اعمال شده و احتمال اخبار منفی آینده وجود دارد. همچنین نتایج آنها نشان داد رابطه معناداری بین محافظه کاری شرطی و واکنش بازار به اخبار خوب و بد شرکت‌ها وجود ندارد. علاوه بر این، رابطه معنادار بین اندازه شرکت و درجه اهرم مالی آن با بازده غیرعادی شرکت، به تأیید رسید.

نتایج پژوهش ستایش و جمالیان پور (۱۳۸۹) بیانگر آن است که در اغلب موارد، پاسخ نامتقارن بین سود حسابداری و بازدهی سهام (چه در سطح کلیه شرکت‌ها و چه در سطح صنایع مختلف) وجود ندارد. علاوه بر آن، اقلام برآمده از محافظه کاری مدیران و حسابداران، یعنی اقلام تعهدی غیرعملیاتی، با گذشت زمان تغییر چشمگیری نداشته است. رحمانی، اثنی عشری و لاریجانی (۱۳۹۰) به بررسی رابطه بین محافظه کاری و محتوای اطلاعاتی اقلام صورت‌های مالی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد سود خالص شرکت‌ها به‌طور کلی محافظه کارانه است و این محافظه کاری از محتوای اطلاعاتی سود خالص می‌کاهد. همچنین به‌کارگیری ویژگی محافظه کاری در تهیه اطلاعات حسابداری، به کسب بازده بیشتر برای سرمایه‌گذاران منجر نمی‌شود.

مهرانی، مرادی و اسکندر (۱۳۸۹) به بررسی رابطه نوع مالکیت نهادی و حسابداری محافظه کارانه پرداختند. یافته‌های به‌دست‌آمده از وجود رابطه مثبت و معنادار بین مالکیت نهادی و محافظه کاری سود حکایت دارد. به بیان دیگر، با افزایش سطح مالکیت نهادی، تمایل شرکت‌ها به استفاده از رویه‌های محافظه کاری بیشتر می‌شود.

کنگرلویی، دولت‌آبادی و فیضی (۱۳۹۱)، تأثیر ساختار بدهی بر محافظه کاری شرطی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. آنها برای اندازه‌گیری عدم تقارن زمانی سود، از سه مدل مبتنی بر رابطه سود و بازده باسو (۱۹۹۷)، مدل مبتنی بر تغییرات سود باسو (۱۹۹۷) و مدل مبتنی بر اقلام تعهدی و جریان نقد عملیاتی بال و شیواکومار (۲۰۰۵) بهره بردند. نتایج پژوهش نشان داد که نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها بر محافظه کاری شرطی در مدل مبتنی بر رابطه سود و بازده، تأثیر مثبتی دارد؛ در مدل مبتنی بر تغییرات سود، بی‌تأثیر است و در مدل مبتنی بر اقلام تعهدی و جریان نقد عملیاتی، اثر منفی می‌گذارد.

ستایش (۱۳۹۲) به تخمین محافظه کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از مدل بسط‌داده شده باسو (۱۹۹۷) پرداخته است. در پژوهش مزبور با استفاده از سه متغیر اندازه، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام عادی و اهرم مالی در مدل باسو (۱۹۹۷)، به بررسی عدم تقارن اطلاعاتی نهفته در گزارشگری مالی شرکت‌ها پرداخته شده است. یافته‌ها نشان‌دهنده مناسب‌تر بودن مدل بسط‌داده شده نسبت به مدل اصلی، برای اندازه‌گیری عدم

تقارن زمانی سود است. همچنین در شرکت‌های بزرگتر، اخبار خوب نسبت به اخبار بد تأثیر بیشتری دارد و شرکت‌هایی که در ساختار مالی خود از بدهی بیشتری استفاده می‌کنند، آثار اخبار خوب خود را دیرتر منعکس می‌کنند، اما آثار اخبار بد را در بازدهی سهام سریع‌تر انتشار می‌دهند. کردستانی و لنگرودی (۱۳۸۷) به بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری خالص دارایی‌ها پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش مزبور نشان می‌دهد بین عدم تقارن زمانی سود و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری خالص دارایی‌ها، رابطه معکوس و معناداری وجود دارد و افزایش دوره برآورد، رابطه یادشده را تقویت می‌کند.

قائمی، ودیعی و حاجی‌پور (۱۳۸۹) تأثیر حسابداری محافظه‌کارانه بر پایداری سود و نسبت قیمت به سود (P/E) را بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد کاربرد روش‌های محافظه‌کارانه حسابداری بالقوه، موجب می‌شود سودها ثبات کمتری داشته باشند. طبق الگوی اولسن - که قیمت را بر اساس ترکیب خطی از ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و سود هر سهم محاسبه می‌کند - سودهای با ثبات بیشتر (کمتر) به نسبت قیمت به سود (P/E) بیشتر (کمتر) منجر می‌شود و پایداری سود در شرکت‌هایی که سود محافظه‌کارانه‌تری گزارش می‌کنند، کمتر است و نسبت قیمت به سود (P/E) شرکت‌هایی که سود محافظه‌کارانه‌تری گزارش می‌کنند، کمتر است. پورحیدری و غفارلو (۱۳۹۱) اثر تأمین مالی بر تغییرات سطح محافظه‌کاری شرطی در گزارشگری مالی را بررسی کردند. نتایج نشان داد، شرکت‌هایی که از طریق بدهی‌های بلندمدت تأمین مالی می‌کنند، برخلاف انتظار، نه در دوره تأمین مالی و نه در دوره پیش از آن، سطح محافظه‌کاری شرطی را کاهش نمی‌دهند، اما شرکت‌هایی که از طریق حقوق صاحبان سهام تأمین مالی می‌کنند، مطابق انتظار، هم در دوره تأمین مالی و هم در دوره قبل از آن، سطح محافظه‌کاری شرطی در گزارشگری مالی را کاهش می‌دهند؛ زیرا این کار موجب بهبود انتظارات سرمایه‌گذاران از عملکرد آتی شرکت می‌شود و تأمین مالی کاراتری را به دنبال دارد.

وجه تمایز پژوهش حاضر در مقایسه با پژوهش‌های صورت گرفته، استفاده از مدل بال و همکاران (۲۰۱۳)، برای برآورد محافظه‌کاری شرطی در گزارشگری مالی شرکت‌ها است. در این مدل به جای سود و بازده واقعی، سود غیرمنتظره و بازده غیرعادی استفاده می‌شود تا میزان محافظه‌کاری شرطی در گزارشگری مالی آزمون شود. در مدل پیشنهادشده، استفاده از متغیرهای مالی اندازه، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام، اهرم و نوسان بازده سهام و همچنین متغیرهای سود غیرمنتظره و بازده غیرعادی محاسبه‌شده بر مبنای میانگین بازده تعدیل‌شده بر حسب بازده بازار، و بازده پرتفویهای ساخته‌شده بر اساس معیارهای اندازه و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار، برای بررسی وجود محافظه‌کاری شرطی در گزارشگری مالی

شرکت‌های بورسی است. تفاوت این مدل با مدل‌های دیگر محافظه‌کاری مانند باسو (۱۹۹۷)، کاربرد متغیرهای کنترلی گسترده‌ای شامل قیمت سهام، ارزش بازار سهام، درجهٔ اهرم و نوسان بازده سهام در برآوردها و همچنین استفاده از سود غیرمنتظره و بازده غیرعادی است که به روش فاما و فرنچ (۱۹۹۳) در ادبیات موضوعی مطرح شده است. برای بررسی وجود محافظه‌کاری شرطی در گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، فرضیهٔ زیر مطرح شده است:

فرضیه: در گزارشگری مالی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، عدم تقارن زمانی سود (محافظه‌کاری شرطی) وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

برای شناسایی پاسخ نامتقارن سود نسبت به اخبار ارزش شرکت از روش رگرسیون داده‌های ترکیبی استفاده شده است. به این ترتیب که ابتدا برای تشخیص استفاده از داده‌های ترکیبی در مقابل روش داده‌های تابلویی، از آزمون اف. لیمر استفاده شده است. در ادامه در صورت تعیین روش داده‌های تابلویی، برای تشخیص مناسب بودن برازش به روش اثرهای ثابت یا اثرهای تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود.

بال و همکاران (۲۰۱۳) معتقدند یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در کاهش میزان تورش برازش مدل محافظه‌کاری باسو (۱۹۹۷)، در نظر گرفتن سود نامنتظره و بازده غیرعادی است، لذا به کمک روش فاما و فرنچ (۱۹۹۳) در ابتدای هر سال با استفاده از آخرین اطلاعات صورت‌های مالی مربوط به سال گذشته، شرکت‌ها بر اساس معیار اندازه (ارزش بازار حقوق صاحبان سهام) به پنج پرتفوی تقسیم می‌شوند. سپس هر یک از پنج‌گانه‌های حاصل شده، دوباره بر اساس معیار نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به پنج پرتفوی دیگر بخش خواهند شد. بنابراین در هر سال ۲۵ پرتفوی (۵ × ۵) شکل می‌گیرد. در نتیجه برای محاسبهٔ بازده غیرعادی سهام هر شرکت، میانگین بازده تعدیل‌شدهٔ آن سهام از بازده پرتفویی که در آن جای گرفته کسر می‌شود. نمونهٔ آماری شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ است که پس از اعمال محدودیت‌های زیر انتخاب شده‌اند:

۱. متغیر سود گزارش‌شدهٔ آنها برای سه سال متوالی در اختیار باشد؛
۲. برای سه سال پیاپی، قیمت سهام و تعداد سهام منتشرشده در دسترس باشد؛
۳. تاریخ پایان سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند باشد؛

۴. طی دوره بررسی، سال مالی خود را تغییر نداده باشند؛

۵. مربوط به صنایع واسطه‌گری‌های مالی نباشند.

با اعمال شرایط بالا، ۱۱۴۰ سال - شرکت مربوط به ۲۳۲ شرکت، نمونه نهایی آزمون فرضیه را شکل می‌دهد.

مدل آزمون فرضیه و نحوه سنجش متغیرها

برای تعیین وجود محافظه‌کاری شرطی، از مدل ۱ استفاده شده است. برای محاسبه بازده غیرعادی سهام در هر سال، میانگین بازده تعدیل شده هر سهم از بازده پرتفوی مربوط به آن کسر می‌شود، از حاصل این عملیات بازده غیرعادی به دست می‌آید و در مدل به کار گرفته می‌شود. این مدل به شرح زیر است:

$$\begin{aligned} (X_{i,t} - E[X_{i,t}]) / P_{i,t-1} = & \alpha_0 + \alpha_1 D(RET_{i,t}^a) + \beta_0 RET_{i,t}^a + \beta_1 D(RET_{i,t}^a) \times RET_{i,t}^a \\ & + \sum \delta_k \text{Controls}_{k,i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned} \quad (1) \text{ مدل}$$

سود غیرمنتظره هر سهم $((X_{i,t} - E[X_{i,t}]) / P_{i,t-1})$: سود غیرمنتظره هر سهم در دوره t که بر اساس قیمت سهم در دوره $(t-1)$ همگن شده است (متغیر وابسته). متغیر مزبور از باقی مانده مدل ۲ حاصل می‌شود و با نماد $(X_{i,t} - E[X_{i,t}]) / P_{i,t-1}$ در مدل ۱ نشان داده شده است. بازده غیرعادی سهام $(RET_{i,t}^a)$: میانگین هندسی بازده تعدیل شده بر اساس بازده پرتفوی بازار در دوره t ، پس از کسر میانگین موزون بازده پرتفوی تشکیل شده بر اساس معیارهای اندازه و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام. به روش فاما و فرنچ (۱۹۹۳)، ابتدا هر سال - شرکت به پنج پرتفوی بر اساس معیار اندازه شرکت در دسته جداگانه قرار می‌گیرد، سپس هر یک از آن پنج پرتفوی بر اساس معیار نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار طبقه‌بندی می‌شود. بازده هر پرتفوی که بر اساس میانگین موزون به دست می‌آید، بازده مورد انتظار هر یک از سهام شرکت‌هایی منظور می‌شود که در آن پرتفوی قرار می‌گیرند و بازده غیرعادی حاصل، تفاوت بازده واقعی و مورد انتظار است.

بازده غیرعادی منفی سهام $(D(RET_{i,t}^a < 0))$: متغیر مجازی که در صورت منفی بودن بازده غیرعادی سهام در دوره t ، مقدار یک می‌گیرد و در غیر این صورت مقدار صفر به آن تخصیص می‌یابد.

وضعیت عملکرد منفی بازده غیرعادی سهام $(D(Ret_{i,t}^a < \cdot) \times Ret_{i,t}^a)$: از حاصل ضرب بازده غیرعادی سهام $(Ret_{i,t}^a)$ و عملکرد منفی بازده غیرعادی سهام $(D(Ret_{i,t}^a < \cdot))$ به دست می آید.

مجموعه متغیرهای کنترلی $(\sum \delta_k Controls_{k,i,t-1})$ که در مدل بال و همکاران (۲۰۱۳) استفاده شده است، به شرح زیر معرفی می شود:

قیمت سهام $(\log(P_{i,t-1}))$: لگاریتم قیمت سهم در ابتدای سال مالی.
 ارزش بازار سهام $(\log(MktCap_{i,t-1}))$: لگاریتم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در ابتدای سال مالی.

ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام $(b/m)_{i,t-1}$: از تقسیم ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام حاصل می شود.

اهرم $(Leverage_{i,t-1})$: از تقسیم بدهی های بلندمدت به مجموع بدهی های بلندمدت و ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به دست می آید.

نوسان بازده سهام $(Volatility_{i,t-1})$: انحراف استاندارد بازده ماهانه سهم، طی سال مالی گذشته.

معیار پذیرش فرضیه پژوهش، مثبت بودن ضریب β_1 است. به بیان دیگر:

$$H_1: \beta_1 + \beta_2 \leq \beta_3 \rightarrow \beta_1 \leq \cdot$$

$$H_2: \beta_1 + \beta_2 > \beta_3 \rightarrow \beta_1 > \cdot$$

عدم تقارن اطلاعاتی سود یا محافظه کاری شرطی به این معناست که ضریب بازده سالانه در زمانی که اخبار مساعد وجود دارد، کوچکتر از حالتی باشد که اخبار نامساعد وجود دارد. تعریف عملیاتی متغیرهای به کار رفته در الگوی ۲ که برای اندازه گیری متغیر وابسته مدل ۱ استفاده شده است، به شرح زیر معرفی می شود:

$$X_{i,t}/P_{i,t-1} = \alpha_0 + \alpha_1 D(Ret_{i,t} < 0) + \beta_0 Ret_{i,t} + \beta_1 D(Ret_{i,t} < 0) \times Ret_{i,t} \quad (2 \text{ مدل})$$

$$+ \sum \delta_k Controls_{k,i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

سود هر سهم $(X_{i,t}/P_{i,t-1})$: سود هر سهم در دوره t که بر اساس قیمت سهم در ابتدای سال مالی $(t-1)$ همگن شده است.

بازده تعدیل شده سهام $(Ret_{i,t})$: میانگین هندسی بازده دوازده ماهه سهام در دوره t ، پس از کسر میانگین هندسی بازده دوازده ماهه پرتفوی بازار که طی دوره سه ماه پیش از آغاز سال مالی تا سه ماه پس از پایان آن محاسبه می شود. برای محاسبه بازده سهام در سطح شرکت ها، در روز

پایه مقدار شاخص را برابر ۱۰۰ فرض می‌کنیم و شاخص روزهای بعد بر اساس قیمت سهام در آن روز نسبت به قیمت در روز صفر (روز پایه) به دست می‌آید.

عملکرد منفی سهام $(D(Ret_{i,t} < 0))$: متغیر مجازی که در صورت منفی بودن بازده تعدیل شده سهام در دوره، مقدار یک می‌گیرد و در غیر این صورت مقدار صفر به آن تخصیص می‌یابد.

وضعیت عملکرد منفی بازده سهام $(D(Ret_{i,t} < 0) \times Ret_{i,t})$: متغیر مجازی که از حاصل ضرب بازده تعدیل شده سهام $(Ret_{i,t})$ و عملکرد منفی بازده تعدیل شده سهام $(D(Ret_{i,t} < 0))$ به دست می‌آید.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

جدول ۱ نتایج آمار توصیفی متغیرها را نشان می‌دهد. متغیرهای ردیف ۱ و ۲ جدول ۱، به ترتیب بازده تعدیل شده بر اساس بازده پرتفوی بازار و بازده تعدیل شده غیرعادی را نشان می‌دهد که هر یک معیاری برای سنجش اخبار مربوط به ارزش شرکت است. برای متغیر وابسته از دو متغیر به شرح ردیف‌های ۳ و ۴ جدول آمار توصیفی استفاده شده است. متغیرهای ردیف‌های ۵ تا ۹ به ترتیب نماد قیمت، ارزش بازار حقوق صاحبان سهام، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار، اهرم و نوسان بازده سهام است که مجموعه متغیرهای کنترلی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	چولگی	کشیدگی
$RET_{i,t}$	-۰/۰۵۰	۰/۱۳۶	-۰/۵۲۸	۰/۱۵۷	۶/۵۳۱	-۲/۱۵۸
$RET_{i,t}^a$	-۰/۰۰۰	۰/۰۴۷	-۰/۲۱۱	۰/۴۵۹	۲۱/۴۲۰	۲/۱۴۰
$X_{i,t}/P_{i,t-1}$	-۰/۱۴۷	۰/۳۲۵	-۲/۹۳۰	۲/۰۲۹	۲۸/۱۸۸	-۲/۶۷۹
$(X_{i,t}-E[X_{i,t}])/P_{i,t-1}$	-۰/۰۳۵	۰/۳۱۳	-۲/۹۸۵	۲/۱۵۴	۲۴/۷۳۴	-۱/۷۱۶
$\log(P_{i,t-1})$	۳/۵۳۵	۰/۳۹۸	۲/۴۸۰	۴/۸۵۰	۲/۶۸۵	۰/۳۱۹
$\log(\text{MktCap}_{i,t-1})$	۵/۵۸۷	۰/۷۱۹	۴/۰۰۲	۸/۲۱۹	۳/۱۷۷	۰/۵۷۸
$(b/m)_{i,t-1}$	-۰/۶۷۷	۰/۶۱۸	-۵/۶۶۸	۴/۳۴۹	۲۰/۲۷۸	-۰/۰۷۸
$\text{Leverage}_{i,t-1}$	-۰/۱۳۱	۰/۱۵۱	۰/۰۰۰	۰/۹۴۷	۷/۹۲۳	۲/۰۷۰
$\text{Volatility}_{i,t-1}$	-۰/۱۰۹	۰/۰۸۷	۰/۰۰۰	۰/۹۹۸	۱۹/۶۴۵	۲/۸۶۰

بر آورد مدل

جدول ۲ نتایج حاصل از انجام آزمون اف. لیمر را نشان می‌دهد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده که از ۵ درصد بالاتر است، برازش به روش داده‌های ترکیبی مناسب‌تر است.

جدول ۲. نتایج آزمون اف. لیمر

نوع برازش	سطح معناداری	آماره F
داده‌های ترکیبی مناسب‌تر است	۰/۰۷۶۴	۱/۱۸۲۹

جدول ۳. نتایج بررسی وجود محافظه کاری شرطی با مدل بال و همکاران (۲۰۱۳)

به روش داده‌های ترکیبی

معناداری	آماره t	ضرایب	متغیر
۰/۰۰۰۰	-۱۰/۶۵۸۴	-۱/۶۵۲۱	α (Constant)
۰/۰۰۷۴	-۲/۶۸۴۲	-۰/۰۸۰۵	$D(\text{Ret}_{i,t}^a < 0)$
۰/۵۳۳۱	۰/۶۲۳۸	۰/۲۴۸۱	$\text{Ret}_{i,t}^a$
۰/۹۵۵۶	-۰/۰۵۵۷	-۰/۰۳۸۲	$D(\text{RET}_{i,t}^a) \times \text{RET}_{i,t}^a$
۰/۰۰۰۰	۴/۸۰۴۰	۰/۱۸۸۲	$\log(P_{i,t-1})$
۰/۰۰۰۰	۸/۱۳۲۴	۰/۱۴۰۷	$\log(\text{MktCap}_{i,t-1})$
۰/۰۰۰۰	۹/۱۰۰۵	۰/۲۰۷۳	$(b/m)_{i,t-1}$
۰/۰۰۴۶	۲/۸۴۴۷	۰/۲۳۸۹	Leverage _{i,t-1}
۰/۶۱۱۷	۰/۵۰۴۷	۰/۰۶۷۳	Volatility _{i,t-1}
	۰/۲۲۶۹		ضریب تعیین
	۰/۲۱۶۵		ضریب تعیین تعدیل شده
	۲/۹۱۸۷		آماره F
	۰/۰۰۰۰		معناداری آماره F
	۲/۱۷۸۶		آماره دوربین - واتسون

مجموع مشاهدات: ۱۱۴۰ سال-شرکت طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱

در جدول ۳ به روش بال و همکاران (۲۰۱۳)، برای محاسبه بازده تعدیل شده غیرعادی، با استفاده از معیارهای اندازه (ارزش بازار حقوق صاحبان سهام) و نسبت ارزش دفتری به ارزش

بازار حقوق صاحبان سهام در ابتدای سال مالی، پرتفوی های پنج در پنج تشکیل شد و سپس پرتفوی مبتنی بر میانگین موزون به عنوان بازده مورد انتظار هر یک از شرکت های زیر مجموعه آن در نظر گرفته شده است. تفاوت بازده تعدیل شده و بازده پرتفوی مزبور، بازده تعدیل شده غیرعادی (Ret_t^a) است که در برازش مدل استفاده شده است. بر اساس نتایج به دست آمده و تحقق نیافتن شرط $(\beta_1 > 0)$ ، فرضیه پژوهش تأیید نمی شود. نتایج جدول ۳ نشان می دهد با توجه به معنادار نبودن ضریب واکنش به دست آمده طبق مدل فوق و با در نظر گرفتن متغیرهای کنترلی و همچنین با استفاده از سود غیرمنتظره و بازده غیرعادی، محافظه کاری شرطی در گزارشگری مالی شرکت های بورسی وجود ندارد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

در این مقاله با استفاده از مدل بال و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی وجود محافظه کاری شرطی در شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران پرداخته شد. نتایج تجزیه و تحلیل داده ها با روش رگرسیون داده های ترکیبی نشان می دهد مدل یاد شده وجود محافظه کاری شرطی را تأیید نمی کند. در این مقاله با استفاده از مدل بال و همکاران (۲۰۱۳)، سود غیرمنتظره در برآوردهای مدل محافظه کاری شرطی لحاظ شد. علاوه بر آن با روش فاما و فرنچ (۱۹۹۳)، به محاسبه پرتفوهایی با ویژگی های همسان از نظر اندازه و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام پرداخته شد. سپس مازاد متغیر بازده تعدیل شده نسبت به آن، به منزله بازده غیرعادی مد نظر قرار گرفت و برازش مدل، وجود محافظه کاری شرطی را تأیید نکرد. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده، محافظه کاری شرطی در گزارشگری مالی شرکت ها وجود ندارد. یافته های این پژوهش برخلاف نتایج به دست آمده بال و همکاران (۲۰۱۳) و پاناتوکاس و توماس (۲۰۱۱) است. پژوهش های یاد شده به وجود محافظه کاری شرطی در سود حسابداری شرکت ها دست یافتند. در نهایت می توان چنین نتیجه گیری کرد که در صورت استفاده از بازده تعدیل شده غیرعادی و استفاده از متغیر سود غیرمنتظره، محافظه کاری شرطی در گزارشگری مالی شرکت های بورسی وجود ندارد.

پیشنهاد می شود مدل بال و همکاران (۲۰۱۳) در سطوح مختلفی چون شرکت هایی با اندازه های متفاوت (کوچک و بزرگ) و سطح صنایع گوناگون به اجرا گذاشته شود تا رفتار محافظه کارانه سود حسابداری در آن سطوح نیز تجزیه و تحلیل شود. همچنین پژوهشگران دیگر می توانند بر اساس سایر روش های تعیین بازده غیرعادی، مانند مدل بازار و مدل قیمت گذاری

دارایی‌های سرمایه‌ای، به بررسی وجود محافظه‌کاری شرطی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران بپردازند.

References

- Ahmed, A., Billings, B., Morton, R. & Stanford-Harris, M. (2002). The role of accounting conservatism in mitigating bondholder-shareholder conflicts over dividend policy and in reducing debt costs. *The Accounting Review*, (77): 867-890.
- Ball, R. & Shivakumar, L. (2005). Earnings quality in U.K. private firms: Comparative loss recognition timeliness. *Journal of Accounting and Economics*, 39 (1): 83-128.
- Ball, R., Kothari S.P. & Valeri, N. (2013). On estimating conditional conservatism. *The Accounting Review*, 88 (3): 755-787.
- Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 24 (1): 3-37.
- Dietrich, D., Muller, K. & Riedl, E. (2007). Asymmetric timeliness tests of accounting conservatism. *Review of Accounting Studies*, 12 (1): 95-124.
- Fama, E.F. & French, K.R. (1993). Common risk factors in the returns on stocks and bonds. *Journal of Financial Economics*, 33 (1): 3-56.
- Financial Accounting Standards Board. (2011). *Theoretical Principles of Accounting and Financial Reporting in Iran. Review 13*. Audit Organization. (in Persian)
- Ghaemi, M., Vadie, M. & Hajipour, M. (2011). The effect of conservatism on earnings stability and price to earnings (P/E). *Journal of Accounting Knowledge*, 1(2): 55-73. (in Persian)
- Hendriksen, E.S. & Berda, M. F. (1992). *Accounting Theory*, 5th Edition, Irwin: Pence-Hill.
- Jabbarzade Kangarlouei, S., Nourzad Dolatabadi, M. & Feizi, S. (2011). The effect of debt structure on conditional conservatism of listed companies in Tehran stock exchange. *Quarterly Journal of Securities Exchange*, 5(20): 47-64. (in Persian)
- Khodamipour, A. & Malekinia, R. (2011). Studying the relationship between conditional conservatism and negative news of future on listed companies in Tehran stock exchange. *Journal of Accounting Knowledge*, 3(10): 7-27. (in Persian)

- Kordestani, G. & Amirbeigi Langeroudi, H. (2011). Conservatism in financial reporting: studying asymmetric timeliness of earnings and MTB as two assesment measures of conservatism. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 15(52): 89-106. (in Persian)
- Lafond, R. & Watts, R.L. (2008). The information role of conservatism. *The Accounting Review*, 83 (2): 447-478.
- Mehrani, S., Moradi, M. & Eskandar, H. (2011). The relationship between type of institutional ownership and conservative Accounting. *Journal of Financial Accounting Research*, 1(3): 47-62. (in Persian)
- Patatoukas, P.N. & Thomas J. K. (2011). More evidence of bias in the differential timeliness measure of conditional conservatism. *The Accounting Review*, (86): 1765-1793.
- Pourheidari, A. & Ghaffarloo, A. (2011). Financing and changes in the level of conditional accounting conservatism. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 19(66): 15-28. (in Persian)
- Rahmani, A. Asna Ashari, H. & Larijani, A. (2011). Conservatism and information content of financial statement items. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 18(64): 57-72. (in Persian)
- Setayesh, M. & Jamalianpour, M. (2011). Studying existence of conditional conservatism and negative news of Future on listed Companies in Tehran stock exchange. *Journal of Accounting Advances*, 3(58): 15-119. (in Persian)
- Setayesh, M. (2011). Extended model for estimating conservatism of listed companies in Tehran stock exchange. *Accounting Research*, 5(33): 52-67. (in Persian)
- Watts R.L. (2003). Conservatism in accounting part I: Explanations and implications. *Accounting Horizons*, 17 (3): 207-221.